

فقه

تحلیلی درباره

حج

و معنای

استطاعت

سه ماه شوال و ذیحده و ذیحجه معروف به ماههای حج هستند و با اینکه حج در ماه ذیحجه انجام میشود علت اینکه دو ماه دیگر را از ماههای حج شمرده‌اند اینستکه عمره تمتع که یکی از دو جز حج تمتع است فقط در این دو ماه و چند روز اول ماه



حجة الاسلام والمسلمین
قدیری

ذیحجه واقع میشود . و نیز احرام برای حج باید در خصوص این ماهها باشد . از اینجهت مناسب است مقالات این ماهها را اختصاص به مطالبی راجع بحج بدهیم امید است انشاء الله مفید و مورد رضایت خداوند باشد حج از ارکان دین است و در صحیحه زراره از حضرت باقر (ع) است که " بُنْيُ الْأِسْلَامِ عَلَى خَمْسٍ ، عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ " یعنی اسلام بر پنج چیز بنا نهاده شده است که پایه و زیر بنای اسلامند نماز و زکاه و حج و روزه و ولایت . از این تعبیر معلوم میشود اسلام بدون یکی از این امور که بمنزله پایه‌های آنند ممکن نیست چنانکه سقف بدون پایه امکان ندارد و شاید علت اینکه این پنج امر زیر بنای اسلام معرفی شده‌اند با اینکه واجبات و قروع دین منحصر بآنها نیست خصوصیتی است که در هر یک از این امور است نماز مرکب سلوک و براق سیر الی الله است که الصلوة معراج المؤمن و زکاه بنیماقتصادی اسلام و حج وحدت مسلمین و ظهور عظمت اسلام و روزه باعث هماهنگی و همگونی اغنیا و فقرا و مایه توجه بخدا و انصراف از ماسوی که خود عامل مهم در قدرت اسلام است و ولایت اهل بیت علیهم السلام از همه واجبات بالاتر و اساسی ترین رکن اسلام است که از طریق این بزرگواران میتوان اسلام را شناخت بلکه اسلام در اتباع از ولایت ایشان است . بعضی بزرگان فرمودند که ولایت در این حدیث شریف اعم از ولایت اهل بیت عصمت است و مراد حکومت حق است که حکومت اسلامی است و در عصر غیبت حضرت ولی امر عجل الله تعالی فرجه الشریف ولایت از آن فقیه است و بسیار دقت ارزنده‌ای است گر چه

اگر ولایت را بمعنای خاص هم که ولایت اهل بیت است بدانیم باز هم حدیث شریف شامل ولایت فقیه در زمان غیبت هست چه آنکه ولایت فقیه ادامه ولایت اهل بیت است که فرمود:

"فَانْتَهَمُ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَاَنَا حُجَّةُ اللَّهِ"

و شکر خدا را که در زمانی زندگی میکنیم که مهمترین رکن اسلام که مسأله ولایت است در مسیر حقیقی خود واقع شد و در سایه ولایت فقیه که همان ولایت پیغمبران و امامان است زیست مینمائیم و از خداوند متعال خواهانیم که توفیق انجام وظیفه خطیری که در این باره بر عهده فرد فرد ما است و شکرگزاری از این نعمت بزرگ را بما مرحمت بفرماید.

آیه حج :

"لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيلاً وَمَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ"

برای خدا است بر مردم حج خانه کعبه کسانی که استطاعت رفتن بسوی آن را داشته باشند.

و کسی که کفر بورزد و به حج واجب نرود خداوند از همه جهانیان بی نیاز است.

دو نکته در این آیه هست که تذکر آن را مناسب می بینم یکی اینکه تکلیف حج در این آیه شریفه بزبان امر بیان نشده یعنی نفرموده مردم حج بجا آورند یا باید مردم حج بجا آورند بلکه تکلیف را بعنوان دین و عهده بیان فرموده که حج برای خدا بر عهده مردم است یعنی حج دین است که دائن آن خدا و مدیون مردمند و خداوند از مردم طلبکار حج است و مردم بدهکار آن هستند و این تعبیر اهتمام خداوند را نسبت به تکلیف حج میرساند و نکته دیگر اینکه نسبت بترک حج در آیه شریفه تعبیر

به کفر شده که این تعبیر دلیل دیگری بر اهمیت حج است و در روایات بسیار، تارک حج کافر شمرده شده است و البته مراد کفر در مقابل اسلام نیست که احکام خاص از قبیل نجاست بدن و غیر آن دارد، بلکه مراد مشارکت تارک حج با کفار است در اینکه بهر پای از اسلام نمیرند و ذرگاتی که برای کفار هست برای آنان هم هست.

استطاعت چیست ؟

شرط است در وجوب حج استطاعت از جهت مال و صحت بدن و قوت آن و باز بودن راه و امنیت آن و وسعت وقت و کفایت آن برای رسیدن بحج. و دلیل مسأله اجماع و کتاب و سنت است چنانکه در جواهر فرموده: *يَأْتِيهِمْ مِنَ الْمَسْجِدِ الْمَكِّيِّ وَ الْمَسْجِدِ الْمَدِينِيِّ بِلِ كَعَلِّ ذَلِكَ مِنْ صُرُورَاتِ الدِّينِ كَأَمِلَ وَجُوبَ الْحَجِّ* و در اینجهت بحثی نیست، سخن در مفهوم و معنای استطاعت است مرحوم سید در عروه الوثقی فرموده است :

الْاِخْتِلافُ وَالْاِشْكَالُ فِي عَدَمِ كِفَايَةِ الْقُدْرَةِ الْعَقْلِيَّةِ فِي وَجُوبِ الْحَجِّ، بَلْ يَشْتَرَطُ فِيهِ الْاِسْتِطَاعَةُ الشَّرْعِيَّةُ وَ هِيَ كَمَا فِي جَمَلَةٍ مِنَ الْاِخْبَارِ الزَّادُ وَ الرَّاجِلَةُ.

یعنی بین علماء اختلاف استکالی نیست در اینکه قدرت عقلی در وجوب حج کافی نیست که اگر کسی بتواند بحج برود بهر نحو باشد ولو با قرض یا با مشقت بدون وسیله حج بر او واجب باشد بلکه استطاعت شرعی شرط وجوب حج است و معنای استطاعت شرعی وجود زاد و راحله است چنانکه در اخبار وارد شده است. و مراد از زاد و راحله توشه راه و مرکب سواری است یعنی مخارج و وسیله سفر. و مراد مرحوم سید از اخبار روایاتی است که در تفسیر آیه شریفه وارد شده است مثلاً صحیح همام بن الحکم عن ابي عبدالله (ع) فی قوله عز وجل: *وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيلاً*. ما یعنی بذلک؟ قال من كان صحيحاً في بدنه مكلت سربه له زاد و راحلة

وسائل ج ۸ ص ۲۳ حدیث ۲

یعنی هشام از حضرت صادق در باره استطاعت در آیه شریفه سؤال کرد که مقصود از آن چیست حضرت فرمود (کسی که بدن او صحیح باشد و راه حج برای او باز باشد و زاد و راحله داشته باشد). و صحیح محمد بن یحیی خثعمی. قال: *سأل حفص الكناسي أبا عبد الله (ع) و أنا عنده عن قول الله عز وجل (و لله على الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلاً) ما يعني بذلك؟ قال: من كان صحيحاً في بدنه مكلت سربه له زاد و راحلة فهو ممن يستطيع الحج*

وسائل ج ۸ ص ۲۲ حدیث ۴

یعنی محمد بن یحیی گفت حفص از حضرت صادق سؤال کرد و من نزد آنحضرت بودم راجع بآیه شریفه که مقصود از استطاعت در آن چیست فرمود کسی که بدن او سالم و راه حج رفتن برای او باز و زاد و راحله داشته باشد مستطیع است. و بعضی روایات دیگر که در تفسیر آیه شریفه رسیده و زائد بر صحت بدن و باز بودن راه استطاعت را فقط داشتن زاد و راحله دانسته است. و بعضی از علماء این روایات را مطلق دانسته و در مواردی که شک در اعتبار چیزی در استطاعت باشد باطلاق این روایات تمسک میکنند و میفرمایند باطلاق له زاد و راحله استطاعت شخص را در مورد شک اثبات میکنیم.

مثلاً در مورد این مسأله که شخص مصرف حج را دارد ولی ازدواج نکرده و حاجت به ازدواج دارد و اگر بول را در حج صرف کند نمیتواند ازدواج کند، و بالعکس اگر با آن بول ازدواج کند نمیتواند بحج برود مرحوم سید در عروه الوثقی فرموده است:

صَرَخَ جَمَاعَةٌ بِوُجُوبِ الْحَجِّ وَتَقْدِيمِهِ عَلَى التَّرْوِيجِ بَلْ قَالَ بَعْضُهُمْ وَ إِنَّ شِقَّ عَلَيْهِ تَرْكُ التَّرْوِيجِ. یعنی عدای از علماء فرموده اند بر چنین شخصی واجب است بحج برود و حج را بر ازدواج مقدم بدارد بلکه بعضی از ایشان فرموده اند هر چند ترک ازدواج برای این شخص مشقت داشته باشد باید بحج برود و دلیلی که ما از بعضی علمائی که درک

کردیم و قائل بچنین مطالبی بودند
شیدهایم اطلاق ادله مفسره آیه شریفه
است چون این شخص زاد و راحله دارد و
باطلاق این اخبار استطاعت اوثابث میشود
پس باید بحج برود .

درست بیاد دارم که روزی بر حسب اتفاق
درس یکی از علما^۱ معروف رفتم و بحث او
در اطراف همین مساله بود که اگر کسی
از دواج نکرده و نیاز باز دواج دارد و پولی
دارد که بمقدار مصارف حج است ولی اگر
صرف در حج کند نمیتواند از دواج نماید .

در صورتی که ضروریات زندگی موجود نباشد
حج واجب نیست هر چند استطاعت شرعیه
که داشتن زاد و راحله است حاصل است .
و نیز جمعی رجوع بکفایت یعنی داشتن
شغل و حرفه و کسی که بتواند بمسجد از
مراجعت از حج با آن زندگی خود را اداره
کند را در استطاعت شرط نمیدانند و میگویند
اگر کسی بتواند بحج برود و مصارف آنرا
داشته باشد مستطیع است و باید برود هر
چند بعد از مراجعت از حج کاری که با آن
ادامه زندگی دهد نداشته باشد و لذا میفرماید

بمفهوم عقلائی آن شرط وجوب حج است و
هیچگونه تعبدی از طرف شرع در معنای
استطاعت نشده و اگر در تفسیر استطاعت
اخباری رسیده که در آنها استطاعت بمعنای
داشتن زاد و راحله آمده است نه از این
نظر است که استطاعت نزد شارع با استطاعت
عرفی و عقلائی فرق داشته باشد بلکه همان
استطاعت عقلائی را باین بیان ذکر کرده
یعنی کسی را که عقلا دارای زاد و راحله
بدانند مستطیع میدانند و کسی که با نیاز
باز دواج از دواج نکرده با ضروریات زندگی

حج دین است که دائن آن خدا و مدیون مردمند، خداوند از مردم طلبکار حج است و مردم بدهکار آن.

استاد فرمود باید بحج برود چون اخبار
مفسره آیه شریفه مطلق هستند بعد اشکالی
ذکر نمود که اگر بحج رفت از دواج او چه
خواهد شد ؟ از این اشکال جواب داد که
اطلاق دلیل اقتضا میکند که حج برود هر
چند نتواند از دواج کند بار اشکالی ذکر
کرد که اگر فرض کنیم این شخص در صورت
ترک از دواج بحرام میافتد چه باید گفت ؟
جواب داد که آیا باختیار بحرام میافتد یا
بدون اختیار اگر بدون اختیار است که
معذور است و اگر باختیار است باید خود را
از حرام باز دارد و در هیچیک از این دو
فرض مانعی از استطاعت و وجوب حج در
بین نیست .

و باندازمای بعضی از اعظام متعبد باین
اطلاق هستند که در مواردی که همه علما^۲
استثنا^۳ میکنند مثل دیون و ضروریات
زندگی از جمله از دواج ضروری، بدلیل حج
تسک کرده اند و فرموده اند از جهست
حکومت دلیل حج بر اطلاق اخبار مفسره
آیه شریفه میفهمیم که با داشتن زاد و راحله

اشخاصی که از وجوه شرعیه ارتزاق میکنند
یا فقرائی که با کدائی زندگی مینمایند اگر
بمقدار رفتن بحج مالی پیدا کردند باید
بحج بروند هر چند بعد از حج باید با
وجوه شرعیه یا با کدائی اعاشه کنند و دلیل
این مطلب را اطلاق ادله زاد و راحله که
همان اخبار مفسره استطاعت است ذکر
میکند و بر خواننده عزیز از این بیان و
تقریبی که گذشت مخفی نیست که التزام
باین مطالب صحیح نیست و استطاعت تنها
داشتن زاد و راحله نیست و در موارد لزوم
خرج استطاعت حاصل نیست و توهم اینکه
استطاعت هست، دلیل حج وجوب حج را
بر میدارد، واضح البطلان است و از نفس
مسائلی که ذکر شد میتوان فهمید، که
استطاعت همانطور که عقلی نیست شرعی
هم نیست و اینطور نیست که شارع مقدس
بر استطاعت لغت خاصی داشته باشد بلکه
استطاعت نظیر همه الفاظ دیگر است که فهم
معنای آن با اهل لغت و عقلاست بنا بر
این بهتر است تعبیر کنیم استطاعت

را ندارد یا بعد از برگشتن نتواند با کار
زندگی خود را اداره کند هر چند بمقدار
مصارف حج داشته باشد بنظر عقلا دارای
زاد و راحله نیست و استطاعت ندارد .
بنا بر این تسک باطلاق در اینجا مورد
ندارد چون شرع مقدس در اینجا تعبدی
ندارد تا با اطلاق دلیل بخواهیم آنرا
کشف کنیم بلکه مفهوم استطاعت عقلائی
است و باید از عرف و عقلا آنرا جستجو
کرد و لذا در هیچیک از مسائلی که ذکر
کردیم استطاعت حاصل نیست چون عقلا
وقتی شخص را مستطیع و دارای زاد و راحله
سفر می بینند که همه ضروریات زندگی را
داشته باشد و مدیون کسی نباشد و بعد از
مراجعت بتواند زندگی خود را اداره کند و
نیازی بدلیل حج نیست بلکه دلیل حج
در این مسائل مورد ندارد .

ضمناً معلوم شد طلاب علوم دینیه که از
وجوه شرعیه ارتزاق میکنند، اگر از غیر وجوه
شرعیه مالی بدست بیاورند که بمقدار حج
باشد ولی بعد از برگشتن از حج باید با

شهریه حوزه علمیه و وجوه شرعیه ارتزاق کنند مستطیع نیستند . بنا بر این در بیان حقیقت استطاعت باید گفت مستطیع کسی است که اضافه بر زن و لوازم زندگی از خانه و اثاث البیت و مرکب سواری اگر بآن نیاز دارد و شغلی که با آن خود و عائلماش را اداره کند، مصارف حج را داشته باشد این مفهوم عقلائی است و مطابق فتاوی بسیاری از علماء اعلام و فقهای عظام نیز هست از جمله عزیمت عزیزان و افتخار فقیهان و نور چشم عالمان

حاصل نیست و روایاتی که در این موارد ذکر شده خالی از ضعف سند نیست مگر اینکه با عمل اصحاب منجر شود و از این روایات است :

۱ - خبر ابی الربیع الثامی : سئل أبو عبد الله (ع) عن قول الله عزوجل و لله على الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلاً فقال : ما يقول الناس فقال قلت له : الزاد و الرحلة . قال : فقال أبو عبد الله : قد سئل أبو جعفر (ع) عن هذا فقال هلكتك الناس إذا ، لئن كان من كان له

بمقدار قوت خانوادهاش که از مردم بی نیاز باشند و آنرا از آنها بگیرد و بحج برود هلاک خواهند شد، سؤال شد پس سبیل در آیه شریفه چیست ؟ فرمود : سعه در مال لازم است که با بعضی بحج برود و بعضی را برای قوت عیالش قرار دهد از این روایت معلوم میشود که استطاعت سعه در مال است برای استغناء از مردم .

زیرا این دو تعبیر در روایت است (السعة في المال) - (يستغني به عن الناس) و از همین دو تعبیر میفهمیم که

در وجوب حج: استطاعت از جهت مال و صحت بدن و قوت آن و باز بودن راه و امنیت آن و وسعت وقت و کفایت آن برای رسیدن به حج، شرط است.

و مرجع تقلید شیعیان و امید محرومان و مستضعفان حضرت آیه الله العظمی امام خمینی مدظله العالی مغنای استطاعت را بنظور فرموده اند و مسائلی که متفرع بر آن ذکر شد تماماً مطابق با فتاوی آنحضرت است .

در ضمن آنچه در باره استطاعت شرط شده از تخلیه سرب که باز بودن راه است با استطاعت زمانه که وقت ضیق نباشد بطوری که شخص متمکن از وصول به حج نباشد، با استطاعت بدنیه که مریض نباشد بطوری که تمکن از رفتن نداشته باشد و رجوع بکفایت که قبلاً بآن اشاره شد از همین مفهوم عقلائی استفاده میشود و نیازی بدلیلهای جداگانه برای هر یک نداریم گر چه فقها در مقام استدلال بر آن برآمده اند و باجماع یا روایات برای هر یک تمسک نموده اند در حالی که تمسک باجماع در مثل این مساله که مستند قائلین معلوم و مختلف است صحیح نیست زیرا وجه حجیت اجماع که کشف آن از قول معصوم (ع) است

زاد و رحله قدر ما بقوت عياله و يستغني به عن الناس يتطلى اليهم فيسلبهم ايشاء لقد هلكتوا اذا . فقيل له : فما السبيل ؟ قال : فقال : السعة في المال ، اذا كان يحج بعضي و يبقى بعضاً لقوت عياله . و منابع ثلاثه این روایت را نقل

فرموده اند و مرحوم مفید هم بنحو ارسال روایت را از ابی الربیع نقل فرموده است و در هر صورت از جهت سند بالزام به عمل اصحاب روایت قابل استناد است و دلالت روایت هم شاهد مدعای ما است که استطاعت تنها وجود زاد و رحله نیست و وقتی شخص مستطیع است که سعه در مال داشته باشد و برای تشخیص این معنی باید بعرف و عقلا مراجعه کرد نه تعبیر شرعی و ترجمه روایت چنین است ابی الربیع ثامی نقل میکند که از حضرت صادق در تفسیر آیه شریفه سؤال شد حضرت فرمود مردم چه میگویند گفت زاد و رحله حضرت فرمود از حضرت باقر چنین سئوال شد حضرت فرمود اگر کسی زاد و رحله داشته باشد

کسی مستطیع است که از خودش بقدری داشته باشد که مستغنی از دیگران باشد و تمام آنچه در استطاعت از وجود مصارف زندگی و رجوع بکفایت ذکر شده از همین تعبیر استفاده میشود .

۲ - خبر اعمش عن الصادق (ع) در تفسیر " سبیل " در آیه شریفه قال : " هو الزاد و الرحلة مع صحبة البدن و ان يكون للإنسان ما يخلقه على عياله و ما يرجع اليه من بعد حجه " .

یعنی استطاعت زاد و رحله است با صحت بدن و اینکه شخص بقدری داشته باشد که برای مخارج عیالش بگذارد و چیزی داشته باشد که بعد از برگشت از حج با آن خود را اداره کند .

و بحث از جهت سند این روایت مثل روایت سابقه است و دلالت آن هم مدعای ما را نزدیک میکند اگر چه در آن توسعه صراحت ندارد .

والحمد لله رب العالمين .

ادامه دارد .